

پولس در حضور فلیکس فرماندار

¹ و بعد از پنج روز، حنانای رئیس کهنه با مشایخ و خطیبی تروئلس نام رسیدند و شکایت از پولس نزد والی آوردند.² و چون او را احضار فرمود، تروئلس آغاز ادعا نموده، گفت:³ چون از وجود تو در آسایش کامل هستیم و احسانات عظیمه از تدابیر تو بدین قوم رسیده است، ای فلیکس گرامی، در هر جا و در هر وقت این را در کمال شکرگزاری می‌پذیریم.⁴ و لیکن تا تو را زیادۀ مُصدِّع نشوم، مستدعی هستم که از راه نوازش مختصراً عرض ما را بشنوی.⁵ زیرا که این شخص را مفسد و فتنه انگیز یافته‌ایم در میان همه یهودیان ساکن ربع مسکون و از پیشوایان بدعت تصاری،⁶ و چون او خواست معبد را ملوث سازد، او را گرفته، اراده داشتیم که به قانون شریعت خود بر او داوری نماییم، ولی لیسئاس میناشی آمده، او را به زور بسیار از دستهای ما بیرون آورد،⁸ و فرمود تا مدعیانش نزد تو حاضر شوند؛ و از او بعد از امتحان می‌توانی دانست حقیقت همه این اموری که ما بر او ادعا می‌کنیم.⁹ و یهودیان نیز با او متفق شده گفتند: که چنین است.

¹⁰ چون والی به پولس اشاره نمود که سخن بگوید، او جواب داد: از آن رو که می‌دانم سالهای بسیار است که تو حاکم این قوم می‌باشی، به خشنودی وافر حجت درباره خود می‌آورم.¹¹ زیرا تو می‌توانی دانست که زیاده از دوازده روز نیست که من برای عبادت به اورشلیم رفتم،¹² و مرا نیافتند که در معبدی کسی مباحثه کنم و نه در کنایس یا شهر که خلق را به شورش آورم.¹³ و هم آنچه الآن بر من ادعا می‌کنند، نمی‌توانند اثبات نمایند.¹⁴ لیکن این را نزد تو اقرار می‌کنم که: به طریقتی که بدعت می‌گویند، خدای پدران را عبادت می‌کنم و به آنچه در تورات و انبیا مکتوب است معتقدم،¹⁵ و به خدا امیدوارم چنانکه ایشان نیز قبول دارند که قیامت مردگان از عادلان و ظالمان نیز خواهد شد.¹⁶ و خود را در این امر ریاضت می‌دهم تا پیوسته ضمیر خود را به سوی خدا و مردم بی‌لغزش نگاه دارم.¹⁷ و بعد از سالهای بسیار آمدم تا صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم.¹⁸ و در این امور چند نفر از یهودیان آسیا مرا در معبد مطهر یافتند بدون

الرسول بولس أمام والی فلیکس

¹ وَبَعْدَ خَمْسَةِ أَيَّامٍ انْخَدَرَ حَنَانِيَا رَئِيسُ الْكَهَنَةِ مَعَ الشُّيُوخِ وَخَطِيبٍ، اسْمُهُ تَرُولُسُ، فَعَرَضُوا لِلْوَالِي صَدًّا بُولُسَ.² فَلَمَّا دُعِيَ ابْتَدَأَ تَرُولُسُ فِي الشَّكَايَةِ قَائِلًا: إِنَّا خَاصِلُونَ بِوِاسِطَتِكَ عَلَى سَلَامٍ جَزِيلٍ وَقَدْ صَارَتْ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مَصَالِحٌ بِتَدْبِيرِكَ فَتَقَبَّلْ ذَلِكَ، أَيُّهَا الْعَزِيزُ فِيلِكْسُ، بِكُلِّ شُكْرٍ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَكُلِّ مَكَانٍ.⁴ وَلَكِنْ لَيْلَا أَعُوِّقَكَ أَكْثَرَ التَّمِيسُ أَنْ تَسْمَعَنَا بِالْإِحْنَارِ بِجَلْمِكَ.⁵ فَإِنَّا إِذْ وَجَدْنَا هَذَا الرَّجُلَ مُفْسِدًا وَمُهْتَجًّا فَتَنَةً بَيْنَ جَمِيعِ الْيَهُودِ الَّذِينَ فِي الْمَسْكُونَةِ وَمَقْدَامَ شِبَعَةِ النَّاصِرِيِّينَ وَقَدْ سَرَعَ أَنْ يُتَجَسَّسَ الْهَيْكَلُ أَيْضًا، أَمْسَكْنَاهُ وَأَرَدْنَا أَنْ نَحْكُمَ عَلَيْهِ حَسَبَ تَأْمُوسِيَّا، فَأَقْبَلَ لَيْسِيَّاسُ الْأَمِيرُ يُعْظِفُ بَهْدِيدٍ وَأَخَذَهُ مِنْ بَيْنِ الْأَمْرِ الْمُشْتَكِينَ عَلَيْهِ أَنْ يَأْتُوا إِلَيْكَ، وَمِنْهُ يُمَكِّنُكَ إِذَا فَخَصْتَ أَنْ تَعْلَمَ جَمِيعُ هَذِهِ الْأُمُورِ الَّتِي تَشْتَكِي بِهَا عَلَيْهِ.⁹ ثُمَّ وَاقَفَهُ الْيَهُودُ أَيْضًا قَائِلِينَ: إِنَّ هَذِهِ الْأُمُورَ هَكَذَا.

الرسول بولس يحتج أمام والی فلیکس

¹⁰ فَأَجَابَ بُولُسُ، إِذْ أَوْمَأَ إِلَيْهِ الْوَالِي أَنْ يَتَكَلَّمَ: إِنِّي إِذْ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ مُنْذُ سِنِينَ كَثِيرَةٍ قَاضٍ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْتِجُّ عَمَّا فِي أَمْرِي بِأَكْثَرِ سُرُورٍ، وَأَنْتَ قَائِرٌ أَنْ تَعْرِفَ أَنَّهُ لَيْسَ لِي أَكْثَرُ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْمًا مُنْذُ صَعِدْتُ لِأَسْجُدَ فِي أُورُشَلِيمَ، وَلَمْ يَجِدُونِي فِي الْهَيْكَلِ أَخَاجٌ أَحَدًا أَوْ أَصْنَعُ تَجْمَعًا مِنَ الشَّعْبِ وَلَا فِي الْمَجَامِعِ وَلَا فِي الْمَدِينَةِ، وَلَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُبْنِئُوا مَا يَشْتَكُونَ بِهِ إِلَيَّ.¹⁴ وَلَكِنِّي أَقُولُ لَكَ بِهَذَا: أَنَّنِي حَسَبَ الطَّرِيقِ الَّذِي يَقُولُونَ لَهُ شِبَعَةُ هَكَذَا أُعْبِدُ إِلَهَ آبَائِي مُؤْمِنًا بِكُلِّ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي التَّائُمُوسِ وَالْأَنْبِيَاءِ، وَلِي رَجَاءٌ بِاللَّهِ فِي مَا هُمْ أَيْضًا يَسْتَطِيعُونَهُ، أَنَّهُ سَوْفَ تَكُونُ قِيَامَتُهُ لِلْأَمْوَاتِ الْأَبْرَارِ وَالْأَثَمَةِ.¹⁶ لِذَلِكَ أَنَا أَيْضًا أَدْرِبُ نَفْسِي لِيَكُونَ لِي دَائِمًا صَمِيرٌ بِلَا عَثْرَةٍ مِنْ تَحْوِ اللَّهِ وَالنَّاسِ.¹⁷ وَبَعْدَ سِنِينَ كَثِيرَةٍ جِئْتُ أَصْنَعُ صَدَقَاتٍ لِأُمَّتِي وَقَرَابِينَ.¹⁸ وَفِي ذَلِكَ وَجَدَنِي مُطَهَّرًا فِي الْهَيْكَلِ لَيْسَ مَعَ جَمْعٍ وَلَا مَعَ شَعْبٍ، قَوْمٌ هُمْ يَهُودٌ مِنْ أَسِيَّا، كَأَن يَتَّبِعِي أَنْ يَحْضُرُوا لَدَيْكَ وَيَسْتَكُوا إِنْ كَانَ لَهُمْ عَلَيَّ شَيْءٌ،²⁰ أَوْ لِيَقُلَّ هَوْلَاءِ أَنْفُسَهُمْ مَاذَا وَجَدُوا فِيَّ مِنَ الذَّنْبِ وَأَنَا قَائِمٌ أَمَامَ الْمَجْمَعِ إِلَّا مِنْ جِهَةِ هَذَا الْقَوْلِ الْوَاجِدِ الَّذِي صَرَحْتُ بِهِ وَاقِفًا بَيْنَهُمْ: أَنَّنِي مِنْ أَجْلِ قِيَامَةِ الْأَمْوَاتِ أَحَاكُمُ مِنْكُمْ الْيَوْمَ.

²² فَلَمَّا سَمِعَ هَذَا فِيلِكُسُ أَمَهُلَهُمْ إِذْ كَانَ يَعْلَمُ بِأَكْثَرِ تَحْقِيقِ أُمُورِ هَذَا الطَّرِيقِ قَائِلًا: مَتَى انْخَدَرَ لِيَسْئَاسُ الْأَمِيرُ أَفْخَصُ عَنْ أُمُورِكُمْ. ²³ وَأَمَرَ قَائِدَ الْمِئَةِ أَنْ يُخْرِسَ بُولُسَ وَتَكُونَ لَهُ رُحْصَةٌ وَأَنْ لَا يَمْنَعَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِهِ أَنْ يَخْدِمَهُ أَوْ يَأْتِيَ إِلَيْهِ.

الرَّسُولُ بُولُسُ يَخَاطِبُ الْوَالِي وَزَوْجَتَهُ

²⁴ ثُمَّ بَعْدَ أَيَّامٍ جَاءَ فِيلِكُسُ مَعَ دُرُوسِيلاَ امْرَأَتِهِ، وَهِيَ يَهُودِيَّةٌ، فَاسْتَحْضَرَ بُولُسَ وَسَمِعَ مِنْهُ عَنِ الْإِيمَانِ بِالْمَسِيحِ. ²⁵ وَبَيْنَمَا كَانَ يَتَكَلَّمُ عَنِ الْبِرِّ وَالْتَّعَفُّفِ وَالذَّبْنِ وَالْأَلْعِيذَةِ أَنْ تَكُونَ ارْتِعَابَ فِيلِكُسَ وَأَجَابَ: أَمَّا الْآنَ فَأَذْهَبْ، وَمَتَى خَصَلْتُ عَلَى وَقْتِ اسْتَدْعَايِكَ. ²⁶ وَكَانَ أَيْضًا يَرْجُو أَنْ يُعْطِيَهُ بُولُسُ دَرَاهِمَ لِيُطْلِقَهُ وَلِذَلِكَ كَانَ يَسْتَحْضِرُهُ مِرَارًا أَكْثَرَ وَيَتَكَلَّمُ مَعَهُ. ²⁷ وَلَكِنْ لَمَّا كَمَلْتُ سِتَانِ قِيلَ فِيلِكُسُ بُورِكِيُوسَ قَسْتُوسَ خَلِيفَةً لَهُ، وَإِذْ كَانَ فِيلِكُسُ يُرِيدُ أَنْ يُودِعَ الْيَهُودَ مِنْهُ تَرَكَ بُولُسَ مُقَيَّدًا.

هنگامه یا شورشی. ¹⁹ و ایشان می‌بایست نیز در اینجا نزد تو حاضر شوند تا اگر حرفی بر من دارند ادعا کنند. ²⁰ یا اینان خود بگویند اگر گناهی از من یافتند وقتی که در حضور اهل شورا ایستاده بودم، ²¹ مگر آن یک سخن که در میان ایشان ایستاده، بدان ندا کردم که دربارهٔ قیامت مردگان از من امروز پیش شما بازپرس می‌شود.

²² آنگاه فیلکس چون از طریقت نیکوتر آگاهی داشت، امر ایشان را تأخیر انداخته، گفت: چون لیسپاس مینبازی آید، حقیقت امر شما رادریافت خواهم کرد. ²³ پس یوزباشی را فرمان داد تا پولس را نگاه دارد و او را آزادی دهد و احدی از خویشانش را از خدمت و ملاقات او منع نکند.

²⁴ و بعد از روزی چند فیلکس با زوجهٔ خود دُرُسیلا که زنی یهودی بود، آمده پولس را طلبیده، سخن او را دربارهٔ ایمان مسیح شنید. ²⁵ و چون او دربارهٔ عدالت و پرهیزکاری و داوری آینده خطاب می‌کرد، فیلکس ترسان گشته، جواب داد که الحال برو چون فرصت کنیم تو را باز خواهم خواند. ²⁶ و نیز امید می‌داشت که پولس او را نقدی بدهد تا او را آزاد سازد و از این جهت مکرراً وی را خواسته، با او گفتگو می‌کرد. ²⁷ اما بعد از انقضای دو سال، پُورکیُوس قَسْتُوس، خلیفه ولایت فیلکسی شد و فیلکس چون خواست بر یهود منت نهد، پولس را در زندان گذاشت.